فصلنامهٔ علمی- پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهرا(س)
سال بیست و هفتم، دورهٔ جدید، شمارهٔ ۳۶، پیاپی ۱۲۶، زمستان ۱۳۹۶

# سنخ‌شناسی عملکرد سیاسی زنان در دستگاه خلافت عباسی (۱۳۲ـ۶۵۶ ه.ق)[۱]

**علی‌محمد ولوی[۲]**
**سیده گلنوش کاردان[۳]**

تاریخ دریافت: ۹۶/۵/۲۸
تاریخ پذیرش: ۹۶/۹/۱۴

**چکیده**

*زنان در صحنهٔ سیاست جهان اسلام، با توجه به سنت‌ها، عقاید و آموزه‌های دینی، موقعیت متفاوتی داشته‌اند. با وجود بحث‌های فقهی و دینی گسترده در این زمینه، عصر عباسی نقطهٔ عطفی در حیات سیاسی زنان به حساب می‌آید. در این دوره حرمسرا، یکی از کانون‌های قدرت و از عوامل تأثیرگذار، در فرایند تحولات سیاسی و رقابت‌های درباری است. زنان حرم، با استفاده از موقعیت‌شان در دستگاه خلافت و نفوذ بر خلیفه و خاندان او، امرا و عوامل دربار، به رقابت با دیگر عناصر قدرت پرداخته و در امور سیاسی همانند تصمیمات حکومتی، عزل و نصب‌ها،*

---

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hii.2017.16592.1434

۲. استاد گروه تاریخ اسلام دانشگاه الزهرا(س)؛ amvalavi@alzahra.ac.ir
۳. دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه الزهرا(س)؛ Golnooshkardan@yahoo.com

*توطئه‌های درباری و... دخالت می‌کردند که معمولاً در دو قالب نمود پیدا می‌کرد:*

- *عملکردی که با توقع عمومی جامعه از نقش آنها در سیاست انطباق داشت.*
- *عملکردی که با این توقع هماهنگ نبود.*

*این پژوهش، با استفاده از رویکردی کمی، به مقایسهٔ دو عملکرد متوقَع و غیرمتوقَع سیاسی زنان، در دستگاه خلافت عباسی پرداخته است. نتایج این پژوهش، نشان می‌دهد که سهم فعالیت سیاسی غیرمتوقع زنان، بیش‌تر از فعالیت سیاسی متوقع است.*

**واژگان کلیدی:** خلافت عباسی، زنان دربار، گونه‌شناسی کارکردی، عملکرد متوقع، عملکرد غیر متوقع

## ۱. مقدمه

زنان در اعصار مختلف حیات سیاسی جامعهٔ اسلامی، جایگاه متفاوتی داشته‌اند. در عصر نبوت، حاکمیّت فرهنگ دینی و تلاش پیامبر(ص) حضور زنان در اجتماع و امور سیاسی را موجب شد و نقش زن در زندگی اجتماعی اهمیت یافت. اصول راهبردی تعیین‌شده توسط پیامبر(ص) درباره زنان، به‌دلیل مقبولیت و حاکمیّت سنت‌های جاهلی با فراز و فرودهای بسیاری مواجه شد. بعد از ارتحال پیامبر(ص) زنان به طرق مختلف به حاشیه رانده شدند. سوءتعبیر از بعضی آیات مانند، «الرِّجال قَوّامُونَ عَلیَ النِّساءِ» (النّساء/ ۳۴)، «زُیِّنَ للنَّاسِ حُبُّ الشَّهَواتِ مِنَ النِّساءِ وَ البَنینَ وَ القَناطیرِ المُقَنطَرَه» (آل‌عمران/ ۱۴) و برخورد غیرکارشناسانه با احادیث مجعول و غیرمجعولی چون «لَن یُفلِحَ قومٌ وَلَّوا أمرَهُم إمرأه» (نسائی، بی‌تا: ۷/ ۶۱۹)، «شاوروهنّ و خالفوهنّ» (مجلسی، ۱۴۱۰: ۱۰۰/ ۲۶۲)، «أُریتُ النَّارَ فَإذَا أکثَرُ أهلِهَا النِّسَاء» (بخاری، بی‌تا: ۱/ ۱۵)، در دید کلیِ اندیشمندان و متفکران جامعه درباره شأن سیاسی و اجتماعی زنان بی‌تأثیر نبود.[۱] مأمون، خلیفهٔ عباسی معتقد بود که سخن زنان همه

---

۱. جهت اطلاع بیشتر نسبت به تحقیقات دربارهٔ نقد تفاسیر آیات و احادیث مرتبط با زنان می‌توان به آثار زیر مراجعه کرد: مهدی مهریزی (۱۳۸۲). *شخصیت و حقوق زن در اسلام*. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی؛ آمنه ودود

شرّ است (ثعالبی، بی‌تا: ۸۲). حتی در قرن پنجم هجری، با وجود دخالت گستردهٔ زنان در حکومت، شخص صاحب‌نفوذی چون خواجه نظام‌الملک ــ وزیر سلطان ملکشاه سلجوقی ــ یکی از شرایطِ سلامتِ حکومت را عدم دخالت زنان در امور مربوط به آن دانسته است (نظام‌الملک، ۱۳۷۲: ۲۴۲ الی ۲۵۱).

با وجود طرح دیدگاه‌ها و نظرات مختلف دربارهٔ عدم مشارکت زنان در امور سیاسی، شکل‌گیری حکومت عباسی، نقطهٔ عطفی در حیات سیاسی زنان به حساب می‌آید. در این دوره، شخصیت‌های شاخص شرکت‌کننده در امور سیاسی، علاوه بر درباریان، اکثریت قاطع زنانی بودند که نقش سیاسیِ بارزی داشتند. بدین‌صورت، شاخصه‌های مشارکت سیاسی زنان در این دوره، نسبت به دوره‌های پیشین، کاملاً متمایز است. در عصر عباسی، با تأثر از پیشینهٔ فرهنگی جوامع نومسلمان، بافت فرهنگی و اجتماعی جامعهٔ اسلامی شکل و شمایلی متفاوت از آموزه‌های اصیل اسلامی به خود گرفت و دخالت زنان در قدرت سیاسی، متأثر از سنن قبیله‌ای، فرهنگی و اجتماعی شکل تازه‌ای یافت. پیوند با سران قدرت، نزدیکی به کانون سیاسی، قدرت و ضعف نهاد خلافت، بر عملکرد سیاسی زنان تأثیرگذار بود. در واقع، زنان دو نوع عملکرد در ساختار سیاسی حاکمیّت عباسی داشتند که با توجه به توقع عمومی از نقش زن در سیاست، در دو سنخ «متوقع» و «غیرمتوقع» تقسیم شده است.[1] عملکرد متوقع، همان عملکرد مورد انتظار از نقش زن در ساختار سیاسی است و عملکرد غیرمتوقع، بیانگر آن نوع از فعالیت‌هایی است که فراتر از محدوده اختیارات و انتظارات جامعه و دستگاه خلافت از دخالت زنان در قدرت سیاسی است (عملکرد غیرقابل انتظار).

لازم به توضیح است که این تعریف و توقع، برمبنای گزارش‌های تاریخی و ادبی از نقش زن در سیاست عصر عباسی است و در مواردی چند، ذکر برخی مصادیقِ قابل قبول و

---

(۱۳۹۴). ***نقد و ترجمهٔ قرآن و زن: (بازخوانی و تفسیر متن مقدس، قرآن مجید) از منظر یک زن***. ترجمه فردوس آقاگل زاده، آتنا بهادری، نقد کاوس روحی. تهران: نشر علمی؛ فاطمه مرنیسی، (۱۳۸۰). ***زنان پرده‌نشین و نخبگان جوشن‌پوش: برداشت نوین از حقوق زن در اسلام***، ترجمهٔ ملیحه مغازه‌ای. تهران: نشر نی.

۱. در این پژوهش، منظور از عملکرد متوقع و غیر متوقع، اعم از کارکردهای مثبت و منفی است.

غیر قابل قبول از عملکرد سیاسی زنان، در کتب دیوانی، سیاست‌نامه‌ها و آداب‌الملوک‌ها واکاوی شده که در تقسیم‌بندی فوق، ملاک تشخیص بوده است. این آثار که به نوعی بیانگر زاویهٔ دید اجتماعی است، بازتاب‌دهندهٔ آموزه‌های ایدئولوژیک نخبگان جامعه نسبت به جایگاه زن، در حوزهٔ قدرت و مناطق ممنوعهٔ آن و در بسیاری از حریم‌های دیگر است. به عنوان نمونه، فقیهی چون غزّالی، معتقد بود: *«زنان را امیری و قضا نشاید» (غزّالی، ۱۴۱۶: ۳۰۶)*. از دیدگاه ابن فرّاء نیز، برای زنان حقی در وزارت تنفیذ نیست (ابن‌فرّاء، ۱۴۲۷: ۳۲- ۳۱). همچنین، خلفای عباسی مانند هادی و هارون تأکید داشتند که *«دخالت در امور شاهی درخور زنان نیست.» (الطبری، ۱۳۸۷: ۸/ ۲۰۵)* و یا *«تشخیص کار و امور مردان به زنان مربوط نیست» (مسعودی، ۱۴۰۹: ۳/ ۳۵۳)*. علاوه بر آموزه‌های سیاسی و اخلاقیِ مرتبط با مسئلهٔ حضور زنان در سیاست، در منابع تاریخی و ادبی این دوره، تصویر روشنی از اوضاع حرمسرا، موقعیّت همسران، مادران و کنیزان محبوب خلفا و نقش آنها در برخی تصمیمات و سیاست‌گذاری‌ها نشان داده شده است.[۱]

چنان‌که بعضاً، اعتبار و منزلت همسران خلفا و میزان نفوذ و محبوبیت آنها، یکی از ملاک‌های انتخاب ولیعهد در عصر عباسی بوده است.[۲] بدین‌صورت، توجه به رعایت حقوق سیاسی زنان دربار و تجویز برخی از دخالت‌های سیاسی‌شان، از موضِع قدرت خلیفه و آداب و رسوم درباری، مُهر تأیید می‌گرفته است. شایان ذکر است که در این پژوهش، داوری نسبت به نقش‌های غیرمتعارف سیاسی زنان دربار، نظیر دخالت در وظایف و اختیارات خاص سلطان و کمّ و کیف تصمیمات، با توجه به قضاوت متون و منابع تاریخی و دیوانی این دوره نسبت به این موضوع، صورت گرفته است.

با توجه به مقدمات مذکور، دخالت زنان حرم در موضوع ولایتعهدی، خبرگیری و منتقل‌کردن اخبار، محل مشورت قرار گرفتن، حمایت از خلیفه و سلطنت، از شاخصه‌های

---

۱. به عنوان مثال، کنیزکی به نام «خالدار» چنان بر عقل هارون چیره گشت که روزی نزد معشوق خود سوگند یاد کرد که هرچه بخواهد به او بدهد (الاصفهانی، ۱۴۱۰: ۱۶/ ۴۹۹)؛ «شاهان» کنیز المستنصربالله، دیوان و وکیلی مخصوص داشت و در بیشتر امور دیوانی مداخله و امر و نهی می‌کرد (ابن الساعی البغدادی، بی‌تا: ۱۲۱ـ ۱۲۰).

۲. بلعمی دربارهٔ این اعتبار می‌نویسد: «... هارون‌الرشید محمّد را بزرگ‌تر داشتی از بهره آنکه از زبیده بود، دختر جعفربن منصور و دختر عمّ هارون و مادر مأمون پرستاری بود.» (بلعمی، ۱۳۷۳: ۴/ ۱۱۸۴)

مطرح در سنخ «متوقع» و مشارکت در توطئه‌ها، ورود در بند و بست‌ها و معاملات سیاسی با وزرا، درباریان و امرا، دخالت در عزل و نصب‌ها، ورود در احکام قضایی و موارد مشابه، از مؤلفه‌های مطرح در سنخ «غیرمتوقع» هستند.

پژوهش حاضر بر این پرسش بنیادین استوار است که سهم هریک از عملکردهای متوقع و غیرمتوقع سیاسی زنان در دستگاه خلافت عباسی چه اندازه بود؟ مطالعات پیشینی این فرضیه را به ذهن متبادر می‌کند که «وجه غالب در ایفای نقش سیاسی زنان در دستگاه خلافت عباسی، متمرکز بر عملکرد سیاسیِ غیرمتوقع بوده است».

در رابطه با نقش سیاسی، فرهنگی و اجتماعی زنان در عصر عباسی، پژوهش‌های مستقلی صورت گرفته است. آثار فرهنگنامه‌ای و شرح‌حال‌نویسی موجود، معرفی‌نامه‌ای از سرگذشت زنان در دوره‌های مختلف تاریخ اسلام و ایران است. در این میان می‌توان به آثاری چون: *زنان فرمانروا و معرفی رساله‌ای دربارهٔ زنان حکومتگر در ایران* از جهانبخش ثواقب، *دانشنامهٔ زنان فرهنگ‌ساز ایران و جهان* از پوران فرخ‌زاد، *اعلام النساء فی عالمی العرب و الاسلام* از عمررضا کحّاله، *الدّر المنثور فی طبقات ربّات الخدور* از زینب فوّاز اشاره کرد. رویکرد نگارشی این آثار صرفاً توصیفی است و گزینش حوادث در حد اشاراتی مختصر، نکاتی چند را درباره جنبه‌های مختلف حیات زنان دربر دارد.

از تک‌نگاری‌ها و مقالات نوشته‌شده، می‌توان به آثاری نظیر: «*حیات سیاسی و اجتماعی ام‌المقتدر*»،[۱] «*حیات سیاسی و اجتماعی زبیده خاتون*»،[۲] «*من خصایص سیره سیده الشغب*»،[۳] «*جایگاه زن در دستگاه خلافت عباسی و نقش ایرانیان در این جایگاه*»،[۴] «*خلیفهٔ جوان و مشاوران نابکار: زنان و قدرت سیاسی در زمان خلیفه المقتدر(۲۹۵-۳۲۰-۹۰۸-۹۳۲)*» اشاره

---

۱. عباس احمدوند، زهرا امیری، «حیات سیاسی و اجتماعی ام‌المقتدر». ***تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی***. سال دوم. شماره ۵. زمستان ۱۳۹۰، از ۱۳۱-۱۵۰.

۲. زهرا نوروزی، «حیات سیاسی و اجتماعی زبیده خاتون». ***فصلنامهٔ تاریخ اسلام***. سال پنجم. شماره ۱۹. پاییز ۱۳۸۳. از ۵ـ ۴۴.

۳. ملیحه رحمةالله، «من خصائص السیده شغب». ***مجله المورخ العربی***. ۱۹۸۶. العدد ۲۸. از ۹۸ـ ۱۰۵.

۴. شیرین بیانی، «جایگاه زن در دستگاه خلافت عباسی و نقش ایرانیان در این جایگاه». ***صحیفه هستی***. شماره ۳ . از ۳۲ـ ۲.

کرد.[1] پُر واضح است که پژوهش‌های مذکور، صرفاً گزینش مختصری از زندگی و فعالیت‌های زنان است و به نوع و ماهیت کارکرد سیاسی زنان در فرهنگ عصر عباسی، توجهی عمیق نشده است. تحقیق حاضر با مراجعه به داده‌های دست اول تاریخی، حدیثی، ادبی و دیوانی با رویکردی توصیفی و برمبنای عملکرد سیاسی زنان دربار، به سنخ‌شناسیِ نوع کارکرد سیاسی آنان پرداخته است.

در یک تعریف پایه‌ای، سنخ[2] نوعی طبقه‌بندی است (Mitchell,1981: 232) و سنخ‌شناسی،[3] تقسیم‌بندی و تنظیم داده‌هاست با توجه به مشخصات آنان و برپایهٔ معیار یا معیارهایی خاص. این معیارها می‌توانند عینی، ساده و غیرمتعدد (نظیر سن، جنس، نژاد) یا ذهنی(نظیر ایدئولوژی، عقیده‌ای خاص و...) باشد (ساروخانی، ۱۳۷۶: ۲/ ۸۹۰). سنخ‌شناسی، به عنوان وسیله‌ای جهت طبقه‌بندی پدیده‌های اجتماعی، از مسائلی است که همواره مورد توجه محققان و عالمان علوم اجتماعی بوده است. مثلاً دورکیم،[4] هنگام بحث از خودکشی، آن را به نوع خودکشی خودخواهانه، خودکشی دگرخواهانه، خودکشیِ ناشی از بی‌هنجاری اجتماعی (آنومیک)، خودکشی قضا و قدری تقسیم نمود (دورکهیم، ۱۳۷۸: ۱۶۱ الی ۲۳۸) .

ضروری است اشاره کنیم، که لزوماً رابطه‌ای میان روش‌شناسی و گونه‌شناسی، موجود است. این رابطه آن‌قدر صریح است که روش را به‌وسیلهٔ گونه‌شناسی و گونه‌شناسی را به‌وسیلهٔ روش، بازمی‌شناسند. از این جهت گونه‌شناسی را می‌توان به سه دسته رابطه‌گرا، کارکردگرا و ساخت‌گرا تقسیم کرد (بریمو: ۲۵۳۷: ۴۰). با توجه به پارادایم پیشنهادی این پژوهش، بایسته است به تعریف گونه‌شناسی کارکردگرا بپردازیم. گونه‌شناسی کارکردگرا،[5] گروه‌های اجتماعی، افراد و نهادها را برحسب وظایف و رفتار آنان در اجتماع طبقه‌بندی می‌کند (همان، ۴۱).

---

1. Maaik van Berkel, “The Young Caliph and his Wicked Advisor: Women and Power Politics under Caliph Al- Muqtadir” (295-320/908- 932),Al- Masaq: Islam and the Medieval Mediterranean, 2007, 3-15.
2. Type
3. Typology
4. D. E. Durkheim
5. Fonctionnaliste

هدف این پژوهش، بررسی ماهیت و چگونگی کارکرد سیاسی زنان دربار، در دو سنخِ عملکرد متوقع و غیرمتوقع سیاسی است. به بیانی دیگر، در این نوشتار دسته‌بندی نقش سیاسی زنان، براساس شاخصهٔ کارکردی است. جامعهٔ مورد بررسی، شامل ۴۴ مورد از نحوهٔ عملکرد زنانی است که به دلایل مختلف و به نوعی از توان تأثیرگذاری بر خلیفه، روند تصمیمات حکومتی، رقابت با دیوانسالاران و دیگر عوامل قدرت برخوردار بوده و در مواردی، در قتل و توطئه‌ها، و عزل و نصب‌ها مداخله داشته‌اند. لازم به توضیح است که پیش‌نیاز تبیین هر پدیدهٔ اجتماعی توصیف دقیق وضعیت آن است. بررسی زندگی زنانِ داخل قصر با استفاده از این شیوه، سبب شناخت بهتر وضعیت سیاسی آنان است.

## ۲. بررسی عملکردهای متوقع سیاسی زنان دربار عباسی

در این عصر، ابواب حقوقی عملکرد سیاسی زنان، همان‌طور که پیش‌تر هم اشاره شد، عمدتاً تأکید بر منع دخالت در امور مربوط به حکومت است و زن جز در کارهای خانه و اندرون نمی‌بایست در امور دیگری دخالت کند. اما شکل‌گیری حرمسرا به‌طور گسترده و نفوذ زنان حرم، زمینهٔ دیگری را برای مداخلات فراهم کرد که بعضاً با اخلاق سنتی سازگاری نداشت و به گونه‌ای از حوزهٔ اختیارات و قدرت خلیفه متأثر بود. در این بخش عملکردهای متوقعِ سیاسی زنان دربار، با توجه به منابع ادبی و نمونه‌های تاریخی و نکات سیاسی مذکور در احکام‌السلطانیه‌ها و سیاست‌نامه‌ها، شاخصه‌گذاری شده و در ادامه، مصادیق مربوط به این سنخ و فراوانی آنها در این گونه‌ها بررسی می‌شود.

### ۲ـ۱: دخالت در انتخاب ولیعهد

در عصر عباسی، چگونگی انتخاب جانشین خلیفه و آداب و تشریفات مربوط به آن، در متون فقهی اهل سنت، به تفصیل بیان شده است. از نظر فقهای این دوره، تعیین ولیعهد و جانشین سلطان، یا به توصیهٔ امام پیشین صورت می‌گیرد و یا اهل حل و عقد، کسی را که شایستگی این مقام را دارد و مردم به فرمانبرداری از او مایلند، برای بیعت نامزد می‌کنند (ابن‌فرّاء، ۱۴۲۷: ۲۳). اما تعیین ولیعهد از سوی امام پیشین، از هر انتخاب دیگری مؤثرتر و نظر او در این خصوص نیز نافذتر است (الماوردی، ۱۴۲۲: ۶۵). به موجب این حق، خلیفه به‌طور دلخواه می‌توانست از بین چندین فرزند، جانشین خویش را انتخاب کند.

ارجحیت نظر خلیفه نسبت به سایرین، مزیتی بود که سبب می‌شد محدودیتی بر عوامل تأثیرگذار بر نظر وی وجود نداشته باشد. به خلافت رسیدنِ فرزند مورد نظر، یکی از راه‌های کسب قدرت و ثروت زنان دربار بود که در بیشتر موارد، همسر رسمی و یا کنیز سوگلی، به اعتبار منزلتی که نزد خلیفه داشت، موفق به تغییر رأی سلطان در انتخاب جانشین می‌شد. دخالتی که نه قانون با آن مخالفت می‌کرد و نه خلیفه توان مقابله با محبوبه‌اش را داشت. بنا بر قول مسعودی، زبیده همسر رشید، پیش وی منزلتی داشت که هیچ‌یک از زنان وی نداشت (المسعودی، ۱۴۰۹: ۳/ ۳۷۷) و همین مسئله، از دلایل انتخاب امین به ولیعهدی بود (ابن‌العمرانی، ۱۴۲۱: ۹۷). هارون هنگام بیماری تصمیم گرفت برای فرزندش مأمون بیعت گیرد اما از یک طرف حمایت بنی‌هاشم از امین و از طرف دیگر اصرار و ترغیب زبیده در این امر، سبب شد که امین را به‌رغم میل خویش به ولایتعهدی تعیین کند (ابن قتیبه الدینوری، ۱۴۱۰: ۲/ ۲۳۳- ۲۳۲؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۹/ ۹). «قبیحه»، همسر متوکل نیز خلیفه را به مقدم‌کردن معتز بر منتصر تشویق می‌کرد (التنوخی، ۱۳۹۲: ۱/ ۲۶۵). بنابراین، متوکل به‌دلیل علاقه‌اش به قبیحه و خصومت‌های موجود بین او و فرزندش منتصر، معتز را به ولیعهدی انتخاب کرد (الحنبلی، ۱۴۰۶: ۳/ ۲۱۹؛ الذهبی، ۱۴۱۳: ۱۸/ ۱۹۸). خلیفه المستضئی هم، به پیشنهاد «بنفشه» ــ جاریهٔ مقبولش ـ فرزندش ناصر را به جانشینی انتخاب کرد (الصفدی، ۱۴۱۱: ۱۰/ ۲۹۳). از دیگر زمینه‌های مداخلهٔ زنان در جریان تعیین ولایتعهد، می‌توان به پنهان‌کردن مرگ خلیفه و بیعت با شخص مورد نظر اشاره کرد. هنگام فوت المقتدی، «شمس‌النهار» کنیز وی، مانع داد و فریاد و شیوَن دیگر کنیزان شد و بعد از به‌خاک‌سپردن خلیفه با کمک وزیر عمیدالدوله ابن جهیر، زمینهٔ بیعت با ولیعهد (المستظهربالله) را فراهم کرد (الذهبی، ۱۴۱۷: ۱۳/ ۶۱۸؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۱۰/ ۲۳۰).

### ۲ـ۲: مشارکت در امر جاسوسی

توجه به نظام جاسوسی از ضروریات مورد تأکید در هر ساختار حکومتی است. در دورهٔ عباسی(۱۳۲-۶۵۶هـ‌ق) نیز به دلایل مختلف سیاسی، همچنین ضرورت کسب اطلاع از وزیران، درباریان، صاحب‌منصبان، والیان، حاکمان و دشمنان، به این نظام توجه ویژه‌ای شد. چنان‌که منصور(۱۳۶ـ ۱۵۸هـ‌ق) خبرگیری و گزارش اخبار را به‌خاطر حفظ شأن مقام

خانـدان سـلطنتی، بـه غلامـان و مـوالی واگـذار کـرد (ابـن اثیـر، ۱۳۸۵: ۶/ ۳۲)، و آنـان را به‌صورت بردگانی ناشناس، به هر جا می‌فرستاد (الطبری، ۱۳۸۷: ۷/ ۵۱۹-۵۲۰ ).

علاوه بر این، جاسوسان در سرزمین‌های اسلامی ممکن بـود بـه‌صـورت غیررسـمی، در لباس بازرگان، سیّاح، صـوفی، درویـش (نظـام‌الملـک، ۱۳۷۲: ۱۰۱)، پیـرزن[1] و کنیـز (ابـن بطوطه، ۱۹۳۴: ۲/ ۱۰۶)، به فعالیّت بپردازند. بهره‌گیری از کنیزان در زمینهٔ جاسوسـی، یکـی از شیوه‌های مهم خبرگیـری در عصـر عباسـی و در سـده‌هـای پـس از آن بـود. خلفـا بـرای آزمودن میزان اعتمـاد و وفـاداری اتبـاع و کارگزارانشـان، کنیـزان خـوبروی بـه آنهـا اهـدا می‌کردند. این کنیزان بیشتر مأمور بودند به صورت مخفیانه و بـا زیرکـی خاصـی، اعمـال و رفتار درباریان را زیر نظر گیرند و اخبار لازم را به اطلاع سلطان برسـانند. بـا وجـود اهمیّـت ابعاد این بحث، در منابع تنها به یک مورد از جاسوسی کنیـزان اشـاره شـده و آن هـم شـرح گرفتاری یعقوب بن داود، وزیر مهدی عباسی است. واگذاری کشتن مردی علوی از جانب خلیفه به یعقوب و جاسوسـی کنیـزک مهـدی علیـه وی، سـبب حـبس و گرفتـاری وزیـر و عزلش از مقام وزارت شد (ابن الطقطقی، ۱۴۱۸: ۱۸۳ الی ۱۸۷).

## ۳ـ۲: مشورت‌دادن به خلیفه در امور مهم سیاسی

در عصر عباسی، با وجود سفارش به عـدم مشـورت بـا زنـان، در نمونـه‌هـایی نظیـر وصـیت منصور به فرزندش مهدی (الطبری، ۱۳۸۷: ۸/ ۱۰۴)، بسیاری از زنان مورد احترام و مشورت خلفا بودند. به بیانی دیگر، دیدگاه‌ها و نگرش‌های موجود در این زمینـه، مشـابه و یکدسـت نبود. چنان‌که ابوالعباس سفاح، در بیشتر امور مهم با همسرش «ام سلمه»، مشـورت مـی‌کـرد (مسعودی، ۱۴۰۹: ۳/ ۲۶۱). «ام‌جعفر» مـادر جعفـر بـن یحیـی برمکـی، زنـی عاقـل و محـل مشورت هارون بود (ابن قتیبه الـدینوری، ۱۴۱۰: ۲/ ۲۲۶). از دیگـر زنـان، بایـد بـه «زینـب» دختر سلیمان بن علی، عمّهٔ مأمون، اشاره کرد. مشورت زینب با مأمون، در رابطه با تعـویض لباس سبز (شعار علویان) و پوشیدن لباس مشکی(شـعار عباسـیان)، مـانع از خلـع وی توسـط بنی‌عباس و بیعت با عمویش ابراهیم بن مهدی شـد (ابـن الطقطقـی، ۱۴۱۸: ۲۱۷؛ مسـعودی، ۱۴۰۹: ۳/ ۴۴۱).

---

۱. نُوَیری فقط پیرزنانی را که برای مأمون جاسوسی می‌کردند ۱،۷۰۰ تن ذکر کرده است (نویری، ۱۴۰۴: ۲۲/ ۲۳۹).

در درگیری‌های سیاسی بین درباریان و یا در وضعیت‌های بحرانی نیز مادران خلفا از دادن مشورت به فرزندانشان غافل نبوده و آنها را از اقدام ناصحیح برحذر می‌داشتند. این امر به‌دلیل عاطفهٔ مادری و نگرانی از سرنوشت فرزند امری مرسوم بود و نداشتن چنین حس مسئولیتی، ناپسند شمرده می‌شد. «قبیحه»، مادر معتز، چون شاهد قدرت‌گرفتن بیش از اندازهٔ سرداران ترک بود، فرزندش را به قتل عام آنان در هر مکان و هر جا تشویق می‌کرد. او لباس خونین متوکل را به وی نشان می‌داد و می‌ترسید که او نیز مانند پدرش به‌دست آنان کشته شود (الثعالبی، بی‌تا: ۸۶). از جمله، مشورت «سیده»، به فرزندش مقتدر، هنگام عزلِ نصرحاجب با دسیسهٔ ابن‌فرات (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۸/ ۱۴۳)، نشان‌دهندهٔ توجه مادر خلیفه به امور دربار، و درک بهتر رفتار و اعمال درباریان است. «سیده» با دوراندیشی سیاسی و آگاهی کامل نسبت به قدرت‌گرفتن بیش از حد ابن‌فرات و فرزندش محسن، خلیفه را از عاقبت چنین تصمیمی برحذر داشت (المسکویه، ۱۳۷۹: ۱۷۹/۵).

همچنین، همین زن، فرزندش را از کشتن حسین بن منصور حلّاج منع کرده بود، ولی مقتدر به حرف او توجهی نکرد (التنوخی، ۱۳۹۲: ۱/ ۱۶۴).

## ٤ـ۲: حمایت از خلیفه در موقعیت‌های بحرانی

خلافت عباسی در طول حیات خویش، همواره با بحران‌های مختلفی مواجه بوده است. بخشی از این بحران‌ها، زمینه‌های سیاسی و بعضی دیگر، ریشه در اوضاع اقتصادی و اجتماعی داشته است. وقوع شورش‌های متعدد علیه دستگاه خلافت و مخالفت و طغیان اعضای خاندان عباسی بر علیه یکدیگر، در بیشتر موارد با عزل و قتل خلیفه و گرفتاری و تیره‌روزی درباریان به اتمام می‌رسید. در این شرایط، زنان دربار، به‌دلیل موقعیت و توان مالی‌شان، نقش برجسته‌ای در تقویت پایه‌های خلافت و تحکیم موقیت سیاسی خلیفه داشتند. چنان‌که هنگام نزاع میان امین و مأمون بر سرِ جانشینی، زبیده ــ مادر امین ــ با سپردن اموال بیت‌المال به امین، وی را به نزاع با برادرش تحریک و تقویت کرد (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۶/ ۲۰۷؛ ابن خلدون، ۱۴۰۸: ۳/ ۲۸۹). **همچنین**، در سال ۳۱۵هـ‌ق، هنگام تهدید بغداد توسط قرامطه، و خالی‌بودن بیت‌المال، «سیده» مادر خلیفه المقتدر، با بخشیدن پانصد هزار دینار از دارایی ویژهٔ خود، در خاموش‌کردن فتنه و نجات پایتخت سهم بزرگی داشت

(المسکویه، ۱۳۷۹: ۵/ ۲۵۵). در سال ۵۳۰هـ‌ق، هنگام محاصرهٔ بغداد توسط سلطان مسعود سلجوقی، خلیفه الراشد، بعد از سپردن کلید دارالخلافه و زنان و فرزندانش به خاتون ــ دختر ملکشاه دوم و همسر خلیفه المستظهر بالله ــ از بغداد خارج شد و سلطان مسعود پیروزمندانه وارد پایتخت شد. اما به اشارهٔ خاتون، ترکان دست از تعقیب راشد برداشتند و اموالش را برگرداندند (جواد، ۱۹۵۰: ۱۵۰-۱۵۱). بدین‌صورت، با توجه به گزارش‌های تاریخی از عملکرد سیاسی زنان نزدیک به خلیفه، مجموعاً چهارده مورد از این‌گونه دخالت‌ها ــ ایفای نقش متوقع ــ شناسایی شد. جدول و نمودار زیر نشانگر فراوانی عملکرد متوقعِ سیاسی زنان در چهار حوزهٔ مذکور است.

**جدول شمارهٔ ۱:** عملکرد «متوقع» سیاسی زنان دربار عباسی

| |
|---|
| **۱) دخالت در انتخاب ولیعهد** |
| ۱. دخالت «زبیده» همسر هارون‌الرشید، در ولیعهدی فرزندش امین<br>۲. دخالت «قبیحه» مادرخلیفه معتز در جانشینی وی<br>۳. دخالت «بنفشه» ـ جاریه خلیفه المستضئی بالله ـ در ولیعهدی فرزندش الناصرلدین الله<br>۴. بیعت «شمس النهار» ـ کنیز خلیفه المقتدی ـ و وزیر عمیدالدوله ابن جهیر، با خلیفه المستظهر بالله |
| **۲) مشارکت در امر جاسوسی** |
| ۱. جاسوسی کنیزک مهدی عباسی و به‌چالش‌کشیدنِ یعقوب بن داود وزیر |
| **۳) مشورت‌دادن به خلیفه در امور مهم سیاسی** |
| ۱. مشورت ابوالعباس سفاح با همسرش «ام‌سلمه»<br>۲. مشورت هارون با «ام جعفر» مادر جعفر بن یحیی برمکی<br>۳. مشورت خلیفه مأمون با «زینب بنت سلیمان بن علی» در رابطه با تعویض لباس سبز<br>۴. تشویق «قبیحه» مادر خلیفه معتز به قتل عام ترکان<br>۵. مشورت «سیده» مادر مقتدر بالله با خلیفه، هنگام تصمیم بر عزل نصر بن حاجب از مقام خویش<br>۶. منع خلیفه مقتدر بالله از کشتن حسین بن منصور حلاج، توسط «سیده» |
| **٤) حمایت از خلیفه در موقعیت‌های بحرانی** |
| ۱. حمایت مالی زبیده از امین، در نبرد با برادرش مأمون<br>۲. حمایت «سیده» از خلیفه مقتدر بالله، هنگام شورش قرامطه و تهدید پایتخت<br>۳. حمایت «خاتون» ـ زوجهٔ خلیفهٔ مستظهر بالله ـ از خلیفه راشد بالله، هنگام حملهٔ سلطان مسعود سلجوقی به بغداد |

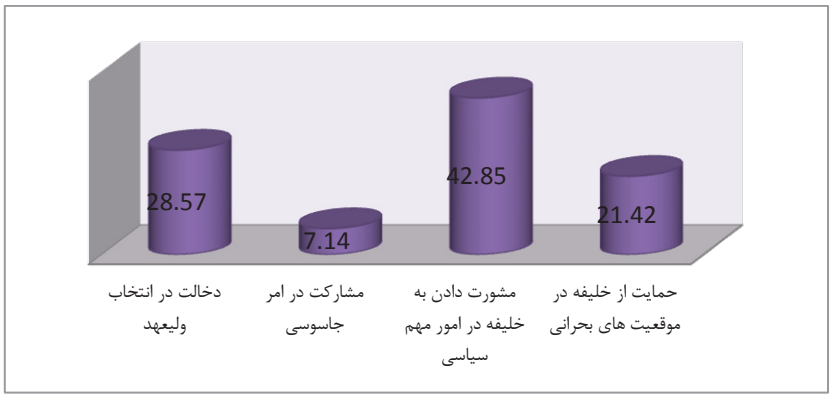


**نمودار شماره ۱.** بررسی فراوانی عملکرد سیاسی زنان در سنخ «متوقع»

نمودار فوق نشان می‌دهد فعالیت جاسوسی با ۷٫۱۴ درصد کمترین سهم، و مشورت‌دادن به خلیفه در امور مهم سیاسی با ۴۲٫۸۵ درصد، بیشترین سهم از عملکرد متوقعِ سیاسی زنان را شامل می‌شود. سهم سایر کارکردها نیز، تقریباً علی‌السویه است.

## ۳. بررسی عملکردهای «غیرمتوقعِ» سیاسی زنان دربار عباسی

در عصر عباسی با وجود منتفی‌بودن کلیت دخالت زنان در امور سیاسی، موقعیّت آشفتهٔ دربار و ناتوانی خلفا، رقابت‌ها و دسیسه‌های امراء و درباریان علیه یکدیگر، عامل مهمی در ایجاد زمینه مناسب، برای دخالت زنان در امور سیاسی بود. در این میان زنان دربار متناسب با شرایط، در توطئه‌های درباری، درگیری‌ها و عزل و نصب‌ها مشارکت می‌کردند که جمیع موارد ناظر به دخالت زنان در ساختارهای حاکمیّت و قدرت است. در این بخش، عملکرد غیرمتوقع سیاسی زنان، با توجه به اشارات منعکس‌شده در منابع و قضاوت متون، شاخصه‌گذاری شده و سپس فراوانی آنها در این گونه‌ها بررسی می‌شود.

### ۱ـ۳: مشارکت در توطئه‌های درباری

در عصر عباسی، زنان دربار ــ به‌عنوان جزئی از خاندان خلافت ــ از عوامل تأثیرگذار در فرایند تحولات سیاسی بوده و همواره به‌طور غیرمستقیم در ساختار غیررسمی حاکمیّت؛ نظیر قتل خلیفه، ولیعهد، کارمندان و کارگزاران حکومت، مشارکت می‌کردند. در واقع دخالت زنان در این قبیل امور، برمبنای خواست‌ها و تمایلات سیاسی بود و نوعی خیانت به

نظام خلافت محسوب می‌شد؛ چنان‌که قتل هادی در سال ۱۷۰هـ‍ـق، به دستور مادرش خیزران، برای به خلافت رسیدن فرزند محبوبش هارون و آزادی عمل در امور حکومت صورت گرفت (الطبری، ۱۳۸۷: ۸/ ۲۰۵). بنا بر قول طبری، *«چنان بود که خیزران تا وقتی درگذشت، بر کار رشید و تدبیر خلافت تسلط داشت» (همان، ۲۱۲)*. رقابت‌ها و حسادت‌های زنانه و کشتن یکدیگر با سمّ و زهر، یکی از حوادث اجتناب‌ناپذیر زندگی زنان داخل قصر بود. این حسادت‌ها، در مواردی منجر به مرگ خلیفه می‌شد. با اینکه دربارهٔ مرگ مهدی در بین مورخان اختلاف نظر وجود دارد، ولی اکثر منابع با کم و بیش اختلاف از کشته‌شدن مهدی با زهر، توسط یکی از کنیزان خبر داده‌اند (همان، ۱۶۹؛ ابن‌خلدون، ۱۴۰۸: ۳/ ۲۶۸؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۸/ ۳۱۶).

حذف رقبای سیاسی، از دیگر زمینه‌های مشارکت سیاسی زنان در توطئه‌های درباری است. «زبیده» همسر هارون الرشید، هنگامی که از جانب برمکیان به‌دلیل قدرت‌گرفتن و دخالت آنها در جریان ولایتعهدی امین احساس خطر کرد، درصدد حذف رقیب برآمد (المسعودی، ۱۴۰۹: ۳/ ۳۵۴). وی با مطرح‌کردن رابطهٔ جعفر برمکی و عباسه (خواهر هارون) و تحریک هارون بر ضد جعفر، زمینهٔ قتل عام برمکیان (وزرای ایرانی) را در سال ۱۸۷ هـ‍ـق، فراهم ساخت (المسعودی، ۱۴۰۹: ۳/ ۳۷۷-۳۷۸؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۱۰/ ۱۹۰). البته سقوط برمکیان صرفاً معلول اقدام زبیده نیست، امّا نمی‌توان عملکرد غیرمستقیم او را در این زمینه نادیده گرفت. قابل ذکر است که در بیشتر منابع، به اختلاف بین عباسه و یکی از کنیزان حرمسرا اشاره شده و شرح این ماجرا، بدون دخالت زبیده مطرح است (ابن خلدون، ۱۴۰۸: ۳/ ۲۸۰؛ المسکویه، ۱۳۷۹: ۳/ ۵۳۲؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۹/ ۱۳۲، ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۶/ ۱۷۵؛ الطبری، ۱۳۸۷: ۸/ ۲۹۴). در اقدامی دیگر زبیده، بعد از شکست امین از طاهر بن حسین، فرمانده سپاه مأمون توسط نامه‌ای مأمون را به کشتن طاهر ترغیب کرد، امّا خلیفه به درخواستش توجهی نکرد (الحنبلی، ۱۴۰۶: ۲/ ۴۶۰). قتل خلیفه معتز، توسط ترکان و تلاش «قبیحه» برای ازمیان‌بردن رقیب سیاسی خویش، صالح بن وصیف، حکایت دیگری از این قبیل جریانات است. صالح بن وصیف، یکی از فرماندهان لشکر متوکل و صاحب قدرت بسیاری نسبت به خلفا بود (ابن تغری بردی، ۱۳۵۱: ۳/ ۲۵). وی زمام همهٔ امور معتز را به دست داشت و خطری بالقوه برای قبیحه (به‌دلیل داشتن ثروت و توان مالی)

محسوب می‌شد. آگاهی قبیحه از قدرت روزافزون وی، سبب شد قبل از هر اقدامی، با منشیان دربار نقشهٔ قتل صالح را بچینند (ابن خلدون، ۱۴۰۸: ۳/ ۳۷۱). از دیگر سرداران نظامی و بانفوذ این دوره، مونس مظفر(خادم) ــ سردار سپاه خلیفه المقتدر بالله ــ است. در این دوره، رقابت شدیدی بین وزیران، زنان و سران سپاه، به‌خصوص مونس مظفر وجود داشت. ترس مقتدر از نفوذ وی سبب شد که با توطئهٔ وزیر ابن‌فرات، او را به بیرون از پایتخت تبعید کند (المسکویه، ۱۳۷۹، ۵/ ۱۷۷–۱۷۸)، و مادرش هم، در سال ۳۱۵هـ‍ـق تصمیم گرفت که کسی را مأمور کند وقتی وارد دارالخلافه می‌شود وی را به قتل برساند (الطبری، ۱۳۸۷: ۱۱/ ۱۱۵).

در این عصر، از جانب زنان، در مواردی توطئه‌هایی علیه خلفا صورت می‌گرفت. چنان‌که، سبب عزل خلیفه متقی و بیعت با مستکفی، به جهت توطئهٔ کنیزکی شیرازی به نام «حُسن‌شیرازیه»[1] و همکاری وی با توزون (از امرای ترک و امیرالامرای بغداد) در این زمینه است (ابن‌العبری، ۱۹۹۲: ۱۶۶). «سیده» دختر خلیفه القائم بامرالله، نیز سعی در براندازی خلافت المستظهربالله داشت. خلیفه بعد از آگاهی از این دسیسه، وی را تا هنگام وفاتش در سال ۴۹۶هـ‍ـق، در سرای خلافت حبس نمود (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۱۰/ ۳۶۶).

طرح نقشهٔ قتل ولیعهد منتخب، از دیگر دخالت‌های غیرمستقیم و غیرمتوقع زنان در سرنوشت سیاسی حکومت بود. شیوع حسادت در میان زنان حرم بر سر ولیعهدی، امری اجتناب‌ناپذیر بود؛ چرا که زنان سهم خود را در قدرت سیاسی، با جانشینی فرزندشان تثبیت می‌کردند. بنابراین برای حفاظت از مقام و رسیدن به اهدفشان، در مواردی نادر اقدام به قتل ولیعهد می‌کردند. نمونهٔ این شیوهٔ سیاسی، تلاش کنیز خلیفه المقتفی، برای به خلافت رساندن فرزندش ابوعلی بود. بدین‌صورت که در یک برنامه‌ای حساب‌شده، از چند تن از کنیزانش خواست وقتی ولیعهد (یوسف، فرزند المقتفی) به دیدار پدر می‌آید با کارد بر او حمله برند و وی را به قتل برسانند (الذهبی، ۱۴۱۷: ۱۵/ ۱۶۵). نمونه‌ای دیگر از توطئه‌ها، قتل صاعد بن توما پزشک خلیفه الناصرلدین‌الله، توسط ستّ نسیم و تاج‌الدین رشیق خادم در سال ۶۲۰هـ‍ـق است. خلیفه الناصر در اواخر عمر، از ناحیهٔ بصر دچار آسیب شد و

---

۱. ابوعلی مسکویه در این باره می‌گوید: پس از آنکه مستکفی به خلافت رسید، حُسن اسم خود را به علم تغییر داد و متولّی تمام امور دولتی خلیفه المستکفی شد (المسکویه، ۱۳۷۹: ۶/ ۱۰۵).

به‌دلیل شباهت نزدیک خط کنیزش با خود، وی را کاتب نامه‌هایش کرد (الصفدی، ۱۴۱۱: ۶/ ۳۱۴) . آگاهی پزشک خلیفه نسبت به مخدوش‌بودن جوابِ نامه‌های سلطان توسط آن دو، و مطلع کردن وزیر مؤیّد قمّی از سوءاستفادهٔ آنان از این موقعیّت، سبب قتل وی توسط آنان شد (القفطی، ۱۳۷۱: ۲۹۷-۲۹۸؛ الکتبی، ۱۹۵۱: ۱/ ۳۹۱).

## ۲ـ۳: حمایت از درباریان

در این عصر با توجه به نفوذ زنان دربار، به‌ویژه همسران و مادران خلفا، بسیاری از خلفا نسبت به حمایت زنان از درباریان، روی خوش نشان نداده‌اند؛ واکنش منفی هادی، نسبت به دخالت خیزران در حکومت و اجابت خواسته‌های اطرافیان (الطبری، ۱۳۸۷: ۸/ ۲۰۵)، و توصیه‌های سیاسی مأمون مبنی بر عدم حمایت زنان از درباریان (نظام‌الملک، ۱۳۷۲: ۲۵۰-۲۵۱)، سبب قرار گرفتن این نوع از عملکرد، در سنخ غیرمتوقع است. در ادامه، به دیگر نمونه‌هایی از این دست اشاره می‌شود.

از اواسط قرن سوم هجری، به دنبال استیلای ترکان، خلفا برای تأمین کسری بودجه و پرداخت باج‌های گزاف به سرداران خود، اموال و دارایی عمّال و وزرا را مصادره می‌کردند. به بیانی دیگر، مصادرهٔ اموال، از لوازم عمده در تأمین منابع مالی این دوره از حکومت بود و کسب ثروت از طریق نامشروع، بر این رسم صحّه می‌گذاشت. این شرایط ایجاب می‌کرد که وزرا، حاجبان، کاتبان، تاجران و یا حتی حاکمان، برای حفظ مال و مقام به زنان دربار مراجعه کنند که در آن زمان بیشتر از خود خلفا صاحب قدرت بودند. به عنوان نمونه، در سال ۳۰۲ هـ‌ق، ۱۶ میلیون دینار از اموال ابن جصاص جوهری، توسط مقتدر مصادره شد؛ اما با شفاعت سیده، از زندان آزاد، و اموالش به وی بازگردانده شد (ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۱۱/ ۱۵۶- ۱۵۷؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۳/ ۱۵۰).[۱] سرنوشت وزرا در این دوره بهتر از تجّار نبود؛ زمانی ابوالهیثم عباس بن محمد بن ثوابه، به مقتدر تعهد داد که از ابن فرات سیزده هزار دینار خواهد گرفت؛ درحالی‌که وزیر توانایی پرداخت این مبلغ کلان را نداشت. ابن فرات بعد از شکنجهٔ فراوان، به مادرِ مقتدر توسل جست و از خدمات خود برای نصرت و استقامت دولت آنها سخن گفت. سیده نیز دستور داد او را از بند رها کنند و

۱. مسکویه در تجارب الأمم مبلغ مصادره را دو میلیون دینار ذکر کرده است (مسکویه، ۱۳۷۹: ۵/ ۳۲۴).

دوباره به مقام وزارت برسانند (المؤیدی، بی‌تا: ۱/ ۲۲۵-۲۲۶-۲۲۷). وزیر به پاس این خدمات پذیرفت که روزی هزار و پانصد دینار به مقتدر و مادرش بپردازد (الصابی، ۱۹۹۰: ۲۱- ۲۲). در سال ۳۰۷ هـ‌ق، ابوالقاسم بن بسطام، والی مصر، از بازخواست و مطالبهٔ علی بن عیسی نسبت به گزارش عملکردش آزاد شد؛ چرا که هدیه‌های گرانقدر و مال‌های گزاف به مقتدر و مادرش سیده پیشکش کرد (الطبری، ۱۳۸۷: ۱۱/ ۷۳). در رابطه با «نصرحاجب» نیز، ابن فرات بعد از اینکه اموال برخی از وزرا را مصادره نمود، زبان به سعایت وی گشود و مقتدر را به طمع اموالش افکند و خلیفه را راضی کرد تا مصادره‌اش کند. نصر که مردی توانگر بود، به مادرِ مقتدر پناه برد (ابن‌خلدون، ۱۴۰۸: ۳/ ۴۶۶). در مقابل سیده، براساس یک سری ملاحظات سیاسی در برابر قدرت ابن فرات ایستاد و مانع تسلیم نصر شد (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۸/ ۱۴۳؛ الصابی، ۱۹۹۰: ۳۰- ۳۱).

علاوه بر این، هنگامی که در سال ۳۱۶هـ‌ق علی بن عیسی، به نامه‌نگاری با قرمطیان متهم شده بود (المسکویه، ۱۳۷۹: ۵/ ۲۶۱)، این بار هم مادر مقتدر، مانع از تصمیم خلیفه دربارهٔ مجازات و اعدام وی شد. سیده با طرفداری از وی در دروغ بودن این ادعا نقش مهمی داشت. بدین‌طریق دستوری که در این باره صادر شده بود، ملغی گردید (المسکویه، ۱۳۷۹: ۵/ ۲۶۲).

علاوه بر وزرا، حاجبان و کاتبان و سایر درباریان نیز هنگام گرفتاری و بدسرانجامی، به زنان دربار متوسل می‌شدند. هارون بن غریب الخال، پسر دایی مقتدر، از اشخاص بانفوذ این دوره، به‌دلیل دوختن چشم طمع به اموال کاتبش «ابن‌شیرزاد»[1] او را نزد مونس مظفر زندانی، و پس از آزار و اذیت فراوان به سودجویی و کمک به خاقانی وزیر متهم کرد. ابن شیرزاد، از برادرش زکریا، که دبیر دیه‌های خالهٔ مقتدر بود، کمک خواست. خاله نیز با آگاه‌کردن سیده از این ماجرا سبب شد که با دستور خواهرش، او را به دارالسلطان آورند و آزادش کنند (المسکویه، ۱۳۷۹: ۵/ ۲۳۵).

---

۱. محمد بن یحیی بن زکریا بن شیرزاد، دبیر عصر عباسی، از چگونگی ورود او به دستگاه خلافت اطلاعی در دست نیست. او در سال ۳۱۵ هـ‌ق کاتب و ناظر امور هارون بن غریب الخال، یکی از نزدیکان خلیفه بود و در همان سال هارون او را بخاطر تصاحب اموالش به زندان افکند (همدانی، ۱۹۶۱: ۲۷۷- ۲۷۸).

### ۳ـ۳: عدم حمایت از خلیفه در موقعیت‌های بحرانی

بروز بحران در عصر دوم عباسی، دلایل مختلفی داشت: حرکت‌های سیاسی و دینی، جنگ و تسخیر پایتخت از جانب همسایگان محلی و یا بهانهٔ ترکان برای طلب دستمزد روزیانهٔ خویش، کم و بیش از موارد آن به‌شمار می‌رفت. در این شرایط، مادران خلفا به علت وسع مالی‌شان، به کشمکش‌های سیاسی وارد شده و این امر آنها را مسئول یک عملکرد و رفتار سیاسی می‌کرد. هرچند اگر بیم گرفتاری‌شان نمی‌رفت از کمک به خلیفه دریغ می‌کردند. سپاهیان ترک وقتی از جانب خلفا احساس خطر می‌کردند، برای حفاظت از جان و به بهانهٔ دریافت مقرری، اقدام به خلع و یا قتل خلیفه می‌کردند. چنان‌که وقتی دیدند معتز سران آنها را می‌کشد و برای فنایشان تدبیر می‌کند، همگی پیش او رفتند و بعد از ملامت‌کردنش، مقرری خویش را خواستند (المسعودی، ۱۴۰۹: ۴/ ۹۲). خلیفه پولی برای پرداخت به ایشان نداشت، تا اینکه آنها به پنجاه هزار دینار راضی شدند. در این رویداد، معتز از مادرش درخواست کمک کرد، ولی او انکار کرد که مالی در نزدش باشد (الطبری، ۱۳۸۷: ۹/ ۳۸۹). درحالی‌که قبیحه صاحب ثروتی بسیار بود (الحنبلی، ۱۴۰۶: ۳/ ۲۴۶)، و بعد از قتل معتز تمام آن اموال برای صالح بن وصیف (از سران ترک) فرستاده شد (المسکویه، ۱۳۷۹: ۴/ ۳۹۱- ۳۹۲؛ ابن الوردی، ۱۴۱۷: ۱/ ۲۲۴). کشته‌شدن مقتدر نیز در کنار سایر عوامل سیاسی، از عدم همکاری و حمایت مادرش ناشی می‌شد. مقتدر برای نبرد با مونس(فرمانده سپاهش) نیاز به مالی داشت تا از طریق آن نیروی خویش را مجهز کند. سیده بی‌توجه به خواهش او پنجاه هزار دینار برای وی بیاورد و نتیجهٔ این بخل‌ورزی، مرگ مقتدر و شکنجهٔ سیده توسط قاهر بود (الطبری، ۱۳۸۷: ۱۱/ ۱۵۵).

### ٤ـ۳: دخالت در عزل و نصب‌ها (وزرا، قضات)

در این عصر، دخالت حرمسرا در امور حکومت منجر به تشدید رقابت بین گروه‌های مختلف، برای رسیدن به مناصب دولتی و از همه مهم‌تر، مقام وزارت شد. پول کلانی که بعد از هر بار عزل و نصب به خزانه منتقل می‌شد، مجوزی برای دخالت زنان در تصمیمات حکومتی بود. درصورتی‌که، برطبق قانون، دخالت در این قبیل امور در محدودهٔ وظایف خلیفه بود (الماوردی، ۱۹۷۹: ۲۰۱؛ المسعودی، بی‌تا: ۲۹۶). اگر کسی دارای شروط وزارت

بود، صحت گمارده‌شدن وی نیازمند انشایی لفظی از جانب خلیفه، برای دادن مقام وزارت بود (الماوردی، ۱۴۲۲: ۹۵). در نتیجه، دخالت زنان در عزل و نصب‌ها، غیرمتوقع و به همراه دخالت سایر درباریان، ناشی از وضعیت خلافت و شخصیت ضعیف خلیفه بود. به عنوان نمونه، در عهد مقتدر، دوازده نفر به وزارت رسیدند و هرکدام دو یا سه بار عزل و نصب شدند (المسعودی، بی‌تا: ۳۲۸). در این دوره، طول مدت وزارت هر شخص، به رضایت مادر خلیفه و حواشی وی بستگی داشت. بررسی‌های تاریخی، یازده مورد از سهم دخالت زنان را در این امور نشان می‌دهد که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

در سال ۲۹۶هـ‌ق، هنگامی که عباس بن حسن، وزیر مقتدر، تصمیم گرفت میزان هزینه‌ها و مخارج مربوط به حرم را کم کند، سیده سعی در برکناری او از مقامش برآمد (الصفدی، ۱۴۱۱: ۱۶/ ۶۵۰). در سال ۲۹۹هـ‌ق بعد از عزل ابن فرات، ابوعلی محمد بن عبیدالله خاقانی با پرداخت صد هزار دینار به سیده به وزارت رسید؛ ولی در امر وزارت ناتوان بود و بیشتر کارها توسط پسرش و بی‌مشورت وی اداره می‌شد (قرطبی، ۱۸۹۷: ۳۹).[۱] وقتی مقتدر ناتوانی خاقانی و کندفهمی وی را دید، تصمیم گرفت وزارت را به ابن ابی‌بغل دهد. خاقانی به‌وسیلهٔ اطرافیان و جاسوسان خبر یافت و به‌سوی دارالخلافه رفت و با گروهی از خدمه و اهل حرم، ساخت و پاخت کرد و برای سیده که در آغاز کار، به گماشته‌شدن وی توجه کرده بود، پنجاه هزار دینار تعهد کرد. بنابراین، وزارت ابن‌ابی‌بغل عملی نشد و او را به ولایتداری فارس فرستادند (الطبری، ۱۳۸۷: ۱۱/ ۴۲؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۸/ ۶۴). در سال ۳۰۴هـ‌ق علی بن عیسی، به‌دلیل کاهش درآمد ماهیانهٔ زنان، فرزندان و خدمتگزاران سلطان، با نظر سیده و خلیفه مقتدر از وزارت عزل شد (المسکویه، ۱۳۷۹: ۵/ ۹۵-۹۸؛ الصابی، ۱۹۹۰: ۲۱). در همین سال، ابوالحسن علی بن محمد بن فرات، با پرداخت روزی هزار و پانصد دینار، به مقتدر و مادرش سیده، وزارت را برای دومین بار به دست آورد (المسکویه، ۱۳۷۹: ۵/ ۹۶- ۹۷؛ الصابی، ۱۹۹۰: ۲۱- ۲۲). در سال ۳۰۶هـ‌ق، حامد بن عباس، با کمک نصر حاجب و مادر مقتدر با تسلیم مال و ثروت کلانش، به وزارت رسید (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۸/ ۱۱۱). در سال ۳۱۲هـ‌ق، ابوالعباس خصیبی، با مالی که از مصادرهٔ

---

۱. در بعضی از نسخه‌ها، بجای «سیده»، «دستنبویه» ام‌ولد المعتضدبالله، ذکر شده است (الصابی، ۱۹۹۰: ۱۵۶؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۳/ ۱۲۳).

محسن بن فرات و همسرش اخذ کرده بود، با رضایت مادر و خالهٔ مقتدر، به وزارت رسید (المسکویه، ۱۳۷۹: ۵/ ۲۰۹- ۲۱۰). سرنوشت خصیبی نیز بهتر از وزرای سلف نبود. سیده بعد از مدتی نسبت به وی بدگمان شد و مقتدر، برای جلب رضایت مادرش او را عزل کرد (خواندمیر، ۱۳۱۷: ۷۷- ۷۸).

دخالت زنان در این عصر صرفاً محدود به عزل و نصب وزرا نبود، بلکه عزل و نصب قضات را هم شامل می‌شد. عزل قاضی، حفص بن غیاث بن مطلق، ابوعمر الکوفی از منصب قضاوت بغداد، به‌دلیل محبوس کردن وکیل زبیده با اصرار و دخالت وی صورت گرفت (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۰/ ۲۹-۳۰-۳۱). بنابر گزارشی، قضاوت حفص بن غیاث، در بغداد دو سال و در کوفه سیزده سال بود (حافظ المَزّی، ۱۴۱۸: ۲/ ۲۳۳- ۲۳۴؛ ابن حجر العسقلانی، ۱۴۰۴: ۲/ ۳۵۸). در زمان حکومت مقتدربالله، در سال ۲۹۸هـ‍ق، سیده نقش زیادی در به قضاوت‌نشاندن محمد بن عبدالله بن ابی‌الشوارب داشت (مجهول المؤلف، ۱۳۹۲: الجزء الرابع/ القسم الأول/ ۲۳۱- ۲۳۲). همچنین در سال ۳۰۶هـ‍ق سیده به قهرمانش ثمل،[1] دستور داد هر روز جمعه در رصافه، به مظالم نشیند و به نامه‌های مردم نظر کند (الطبری، ۱۳۸۷: ۱۱/ ۶۷). درصورتی‌که به‌صورت رسمی، رسیدگی به شکایات و مظالم از وظایف خلفا بود. به گفتهٔ ابن‌خلدون، خلیفگان عباسی تا ایام المهتدی، این وظیفه را به تن خویش انجام می‌دادند (ابن خلدون، ۱۴۰۸: ۱/ ۲۷۷). بنابر نظر ماوردی، تنها کسانی را می‌توان به این سمت گمارد که برگزیدن آنها برای ولایتعهدی و یا وزارت تفویض و یا فرمانروایی بر ایالت‌ها روا باشد (الماوردی، ۱۴۲۲: ۲۲۸). انتخاب یک خادم بر این دیوان، خشم و نفرت مردم را برانگیخت و قاضی ابوالحسن، به‌دلیل عدم آشنایی ثمل با وظایف این دیوان، احضار و به اصلاح کار وی پرداخت (قرطبی، ۱۸۹۷: ۷۱؛ الطبری، ۱۳۸۷: ۱۱/ ۶۷). بنابراین، از مجموع ۴۴ مورد از عملکردهای سیاسی زنان شاخص دستگاه خلافت عباسی، ۳۰ مورد در این سنخ جای می‌گیرد. جدول و نموداری که در ادامه می‌آید، نشانگر فراوانیِ عملکردِ غیرمتوقع سیاسی زنان، در چهار حوزهٔ مورد بررسی است.

---

۱. در رابطه با منصب قهرمان، وظایف و حوزهٔ اختیارات آنان به نشانی زیر مراجعه شود: علیمحمد ولوی، سیده گلنوش کاردان، «تحول کارکردی منصب قهرمان در دستگاه خلافت عباسی از قرن دوم تا چهارم هجری (۱۳۲- ۳۲۰هـ‍ق)»، پژوهشنامهٔ تاریخ اسلام (فصلنامهٔ انجمن ایرانی تاریخ اسلام)، شماره بیست و چهارم، زمستان ۱۳۹۵، ص ۲۷-۵۲.

**جدول شمارهٔ ۲:** عملکرد «غیرمتوقع» سیاسی زنان دربار عباسی

| |
|---|
| **۱) مشارکت در توطئه‌های درباری** |
| ۱. قتل هادی به دستور «خیزران»، مادر خلیفه |
| ۲. قتل مهدی توسط کنیز خلیفه |
| ۳. تلاش بر نابودی برمکیان از صحنهٔ قدرت، توسط «زبیده» همسر هارون |
| ۴. ترغیب مأمون، توسط «زبیده» به قتل طاهر بن حسین |
| ۵. دستور قتل صالح بن وصیف، توسط «قبیحه» مادر خلیفه معتز بالله |
| ۶. دستور قتل مونس مظفر، توسط «سیده» مادر مقتدر بالله |
| ۹. نصب المستکفی به خلافت با توطئهٔ «حُسن شیرازیه» و توزون (سردار ترک) |
| ۸. سعی در براندازی خلافت المستظهربالله توسط «سیده»، دختر القائم بامرالله |
| ۷. طرح نقشهٔ قتل المستنجد بالله توسط کنیز خلیفه المقتفی بالله |
| ۱۰. قتل صاعد بن توما ـ پزشک خلیفه الناصرلدین الله ـ توسط «ستّ نسیم» و تاج‌الدین رشیق خادم |
| **۲) حمایت از درباریان** |
| ۱. اجابت خواسته‌های سرداران، خواص و خادمان توسط خیزران |
| ۲. رهایی ابن جصاص جوهری، از مصادره و بند، توسط «سیده» مادر خلیفه مقتدر بالله |
| ۳. حمایت «سیده» از وزیر ابن فرات و رهایی او از شکنجه و بند |
| ۴. رهایی ابوالقاسم بن بسطام، حاکم مصر از بازپرسی وزیر علی بن عیسی به جهت حمایت خلیفه مقتدر بالله و مادرش «سیده» |
| ۵. پناه‌بردن نصر حاجب (نصر القشوری)، به «سیده» مادر خلیفه المقتدر از مصادرهٔ اموال |
| ۶. حمایت «سیده»، از علی بن عیسی، هنگام صدور فرمان قتل وی توسط خلیفه مقتدر بالله |
| ۷. حمایت «سیده» و خالهٔ خلیفه المقتدر از ابن شیرزاد، کاتب هارون بن غریب الخال ـ پسر دایی مقتدرـ از شکنجه و بند |
| **۳) عدم حمایت از خلیفه در موقعیت‌های بحرانی** |
| ۱. قتل معتز بالله به‌علت عدم حمایت مالی مادرش «قبیحه» |
| ۲. قتل مقتدر بالله به‌علت عدم حمایت مالی مادرش «سیده» |
| **٤) دخالت در عزل و نصب‌ها (وزرا، قضات، خلفا)** |
| ۱. تصمیم بر عزل عباس بن حسن از مقام وزارت توسط «سیده» مادر خلیفه مقتدر بالله |
| ۲. نصب ابوعلی محمد بن عبیدالله خاقانی به وزارت توسط مادر خلیفه مقتدر بالله |
| ۳. مخالفت با به وزارت رسیدن ابوالحسین بن ابی‌بغل، توسط مادر خلیفه مقتدر بالله |
| ۴. عزل علی بن عیسی از وزارت توسط خلیفه مقتدر بالله و مادرش «سیده» |
| ۵. نصب علی بن فرات به وزارت توسط خلیفه مقتدر بالله و مادرش« سیده» |
| ۶. نصب حامد بن عباس به وزارت با دخالت نصر حاجب و مادر خلیفه مقتدر بالله |
| ۷. نصب خصیبی به وزارت با دخالت مادر و خالهٔ خلیفه مقتدر بالله |
| ۸. عزل خصیبی از وزارت با دخالت مادر خلیفه مقتدر بالله |
| ۹. عزل قاضی حفص بن غیاث بن مطلق، از منصب قضاوت بغداد، با دخالت «زبیده» |
| ۱۰. به قضاوت‌نشاندن محمد بن عبدالله بن ابی الشوارب توسط مادر خلیفه مقتدر بالله |
| ۱۱. به مظالم نشستن «ثمل» قهرمان توسط مادر خلیفه مقتدر بالله |

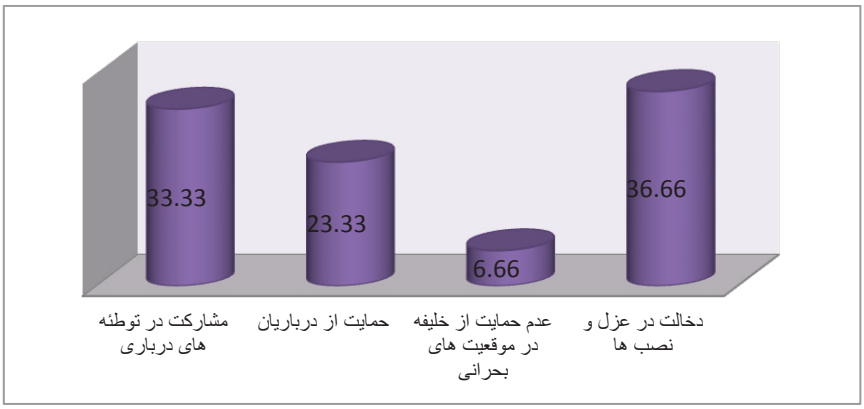


**نمودار شماره۲.** بررسی فراوانی عملکرد سیاسی زنان در سنخ «غیرمتوقع»

براساس نمودار فوق، مشارکت در توطئه‌های درباری ۳۳,۳۳ درصد، حمایت از درباریان ۲۳,۳۳ درصد، عدم حمایت از خلیفه در موقعیت بحرانی ۶,۶۶ درصد، دخالت در عزل و نصب‌ها ۳۶,۶۶ درصد، از حجم عملکرد سیاسی غیرمتوقع زنان را شامل می‌شود. نتایج نشان می‌دهد کمترین سهم از عملکرد غیرمتوقع، عدم حمایت از خلیفه در موقعیت‌های بحرانی است و بالاترین سهم مربوط به دخالت در عزل و نصب‌هاست. جدول زیر نشانگر فراوانی عملکرد سیاسی زنان در دو سنخ متوقع و غیرمتوقع است.

**جدول شمارهٔ ۳.** فراوانی عملکرد سیاسی زنان در هر یک از گونه‌های مورد بررسی

| سنخ | تعداد | درصد |
|---|---|---|
| **متوقع** | ۱۴ | ۳۱,۸۱ |
| **غیرمتوقع** | ۳۰ | ۶۸,۱۸ |
| **مجموع** | ۴۴ | ۱۰۰ |

## نتیجه‌گیری

نوع‌شناسی عملکرد سیاسی زنان در دستگاه خلافت عباسی با رویکردی کمّی، از اهداف این پژوهش بود. در این راستا، با توجه به فرهنگ مردسالار عصر عباسی و کم‌رنگ‌بودن نقشِ زنان در سیاست، زنان دربار به عنوان نماینده‌ای از زنان شاخصِ عصری که با آموختن

اصول زن‌مدارانه و نفوذ بر شخص خلیفه، به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم، توان تأثیرگذاری بر تصمیمات حکومتی و امور سیاسی را داشته، گزینش شده و مورد بررسی قرار گرفتند. این نتایج، بازگوکنندهٔ سهم سیاسی زنان در هشت حوزه است: حضور در تصمیمات سیاسی، نظیر مشورت‌دادن به خلیفه با ۴۲٫۸۵ درصد، از حوزه‌های پررنگ‌تر مشارکت سیاسی زنان در سنخِ متوقع است و دیگر، دخالت در عزل و نصب‌ها با ۳۶٫۶۶ درصد، معرف سهم بیشتر زنان در سنخ غیرمتوقع سیاسی است. همچنین، با توجه به جامعهٔ چهل و چهار موردی از عملکرد سیاسی زنان، در مجموع چهارده مورد با ۳۱٫۸۱ درصد مربوط به عملکرد سیاسی متوقع و سی مورد با ۶۸٫۱۸ درصد، مربوط به عملکرد سیاسی غیرمتوقع است. بنابراین نتایج نشان می‌دهد عملکرد غیرمتوقعِ زنان این دوره در سیاست، به مراتب بیشتر از عملکرد متوقعِ سیاسیِ آنان است.

## منابع و مآخذ


- **قرآن کریم**
- ابن الأثیر، ابوالحسن علی (۱۳۸۵). ***الکامل فی التاریخ***. بیروت: دار صادر ـ دار بیروت.
- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله (۱۹۳۴). ***مهذّب رحله ابن بطوطه؛ المسماة، تُحفة النُظار فی غَرائب الأمصار و عجائب الأسفار***، تصحیح احمد العوامری بک و محمد احمد جاد المولی بک. القاهره: وزارة المعارف العمومیه.
- ابن تغری بردی، یوسف (۱۳۵۱). **النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره.** قاهره: وزارة الثقافة و الارشاد القومی. المؤسسه المصریه العامه.
- ابن‌جوزی، عبدالرحمن (۱۴۱۲). **المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک.** بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن‌خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۰۸). **العبر و دیوان المبتدأ و الخبر...،** تصحیحِ خلیل شحاده. بیروت: دارالفکر.
- ابن حجر العسقلانی، احمد بن علی (۱۴۰۴). **تهذیب التهذیب.** بیروت: دارالفکر.
- ابن الساعی البغدادی، تاج‌الدین انجب (بی‌تا). **نساء الخلفا؛ المسمی، جهات الائمه الخلفاء من الحرائر و الإماء.** قاهره: دارالمعارف.

- ابن‌الطقطقی، محمد بن طباطبا، (۱۴۱۸). **الفخری فی الآداب السلطانیه و الدول الاسلامیه.** بیروت: دارالقلم العربی.
- ابن العبری، غریغوریوس بن هارون (۱۹۹۲). **تاریخ مختصرالدول.** بیروت: دارالشرق.
- ابن‌عماد الحنبلی، عبدالحی بن احمد (۱۴۰۶). **شذرات‌الذهب فی أخبار من ذهب.** دمشق ـ بیروت: دار ابن‌کثیر.
- ابن العمرانی، محمد بن علی (۱۴۲۱). **الإنباء فی تاریخ الخلفاء.** القاهره: دارالآفاق العربیه.
- ابن فرّاء، ابی یعلی محمد بن الحسین (۱۴۲۷). **الأحکام السلطانیه.** بیروت ـ لبنان: دارالکتب العلمیه.
- ابن قتیبه الدینوری، عبدالله بن مسلم (۱۴۱۰). **الإمامة و السیاسه.** بیروت: دارالأضواء.
- ابن‌کثیر، عماد الدین ابوالفداء (۱۴۰۷). **البدایة و النهایة.** بیروت: دارالفکر.
- ابن الوردی، زین‌الدین عمر (۱۴۱۷). **تاریخ ابن الوردی.** بیروت ـ لبنان: دارالکتب العلمیه.
- الاصفهانی، علی بن حسین (۱۴۱۰). **الأغانی.** بیروت ـ لبنان: دار احیاء التراث العربی.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (بی‌تا). **صحیح بخاری (بحاشیه السندی).** بیروت: دارالمعرفه.
- بلعمی، محمد بن محمد (۱۳۷۳). **تاریخنامه طبری.** تهران: البرز.
- تنوخی، ابو علی محسن بن علی (۱۳۹۲). **نشوار المحاضره و اخبار المذاکره.** بیروت: دارالصادر.
- ثعالبی، عبدالملک بن محمد (بی‌تا). **الإعجاز و الإیجاز.** بیروت: دارصعب.
- جواد، مصطفی (۱۹۵۰). **سیدات البلاط العباسی.** بیروت: دارالکشاف.
- حافظ المَزّی، جمال‌الدین (۱۴۱۸). **تهذیب الکمال فی أسماء الرجال.** بیروت ـ لبنان: مؤسسه الرساله.
- الحنبلی، ابن عماد (۱۴۰۶). **شذرات‌الذهب فی أخبار من ذهب.** دمشق ـ بیروت: دار ابن‌کثیر.
- خواندمیر، غیاث‌الدین (۱۳۱۷). **دستورالوزرا،** تصحیح سعید نفیسی. تهران: اقبال.

- دورکهیم، امیل (۱۳۷۸). **خودکشی،** ترجمهٔ نادر سالارزاده امیری. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- الذهبی، شمس‌الدین محمد (۱۴۱۳). **تاریخ‌الإسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام.** بیروت: دارالکتب العربی.
- _____ (۱۴۱۷). **سیر اعلام النبلاء.** بیروت ـ لبنان: دارالفکر.
- الدهستانی المؤیدی حسین بن سعد، (بی‌تا). **جامع الحکایات.** تصحیح علی‌اکبر غفاری. تهران: اسلامیّه.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۶). **دایرةالمعارف علوم اجتماعی.** تهران: کیهان.
- الصابی، هلال بن محسن (۱۹۹۰). **الوزراء أو تحفه الأمراء فی تاریخ الوزراء.** بیروت ـ لبنان: دارالفکر الحدیث.
- صفدی، صلاح‌الدین خلیل بن ایبک (۱۴۱۱). **الوافی بالوفیات.** بیروت: دارالصادر.
- الطبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷). **تاریخ الأمم و الملوک.** بیروت: دارالتراث.
- غزّالی، ابو حامد (۱۴۱۶). **التبرالمسبوک فی نصیحه الملوک.** بیروت ـ لبنان: مؤسسه عزالدّین.
- قرطبی، عریب بن سعد (۱۸۹۷). **صله التاریخ الطبری.** لیدن: بریل.
- القفطی، جمال‌الدّین (۱۳۷۱). **اِخبار العلماء بأَخبار الحکماء.** تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- الکتبی، ابن شاکر (۱۹۵۱). **فوات الوفیات.** قاهره: مطبعه السعاده بمصر.
- الماوردی، ابوالحسن (۱۴۲۲). **الأحکام السلطانیه و الولایات الدّینیه.** بغداد: مطبعه المجمع العلمی.
- _____ (۱۹۷۹). **قوانین الوزاره و سیاسهُ الملوک.** بیروت ـ لبنان: دارُالطلیعه.
- مجلسی، محمدباقر(۱۴۱۰). **بحارالانوار الجامعه لدرر أخبار الائمه الاطهار علیهم السلام.** بیروت ـ لبنان: مؤسسه الطبع و النشر.
- مجهول المؤلف (۱۳۹۲). **العیون و الحدائق فی أخبار الحقائق.** بغداد: مطبعه النعمان ـ النجف الأشرف.
- المسعودی، ابو الحسن علی بن حسین (۱۴۰۹). **مروج‌الذهب و معادن‌الجوهر.** قم: دارالهجره.

- ـــــــــ (بی‌تا). **التنبیه و الإشراف.** تصحیح عبدالله اسماعیل الصاوی. القاهره: دارالصاوی.
- المسکویه، احمد بن محمد (۱۳۷۹). **تجارب‌الأمم و تعاقب‌الهمم،** تهران: سروش.
- نسائی، أبوعبدالرحمن (بی‌تا). **سنن نسائی.** بیروت: دارالمعرفه.
- نظام‌الملک، حسن بن علی (۱۳۷۲). **سیرالملوک (سیاست‌نامه).** تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- نویری، احمد بن عبدالوهاب (۱۴۰۴). **نهایة الأرب فی فنون الأدب.** قاهره: الهیئه المصریه العامه للکتاب.
- الهمدانی، محمد بن عبدالملک (۱۹۶۱). **تکملة التاریخ الطبری.** بیروت: المطبعه الکاثولیکیه.
- الیعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (ابن واضح) (بی‌تا). **تاریخ الیعقوبی.** بیروت: دار صادر.

## فهرست مقالات فارسی

- بریمو، آلبر، (۲۵۳۷)، «**گونه‌شناسی در بررسی‌های اجتماعی**»، ترجمه فرنگیس اردلان، نامهٔ پژوهشکده، سال دوم، شمارهٔ اول، صص ۴۲ ـ ۳۷.

## فهرست منابع لاتین

- Mitchell, G. D (Geoffrey Duncan),(1981), **A New Dictionary of Sociology**, London: Routledge& K. Paul.